

دانش اگر در ثریا هم باشد مردمانی از سرزمین پارس بر آن دست خواهند یافت.

پیامبر اعظم (ص)

شرح جامع و نمونه سوالات

تاریخ اسلام

«زبان و ادبیات فارسی»

(ادبیات مقاومت)

مولف: سمیه نژاد فتح مقدم

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مؤلف

مجموعهٔ حاضر، مروری است بسیار فشرده و اجمالی در تحولات تاریخ اسلام از آغاز تا نیمهٔ نخست سدهٔ چهارم هجری که در هفت فصل نگاشته شده و شامل بیان مباحث درسی، بیان مطالب مهم و خلاصه فصل و تست‌های تألیفی به همراه مجموعه سؤالات آزمونهای کارشناسی ارشد سالهای گذشته می‌باشد.

نوشته حاضر به قصد ارائه شناختی تحلیلی از برهه‌ای بسیار مهم از تاریخ صدر اسلام از آغاز تا دورهٔ عباسیان فراهم شده است.

بر این اساس فصل اول کتاب به بررسی وضعیت جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و اوضاع طبیعی عربستان پیش از اسلام، نسب عرب، دولت‌ها، دین و اعتقادات و اهمیت و موقعیت مکه قبل از اسلام پرداخته است.

فصل دوم با عنوان ظهور اسلام به مهمترین رویدادهای زندگی پیامبر اکرم (ص) از ولادت تا بعثت، و چگونگی دعوت اسلام در مکه اشاره شده است. همچنین علل مخالفت با دعوت جدید، هجرت به حبشه، طرح محاصرهٔ اقتصادی بنی‌هاشم، هجرت پیامبر به مدینه و اقدامات پیامبر (ص) به منظور تأسیس حکومت و گسترش اسلام، دشمنی یهود و منافقین با رسول خدا و مسلمانان بخشی از مطالب این فصل است.

فصل سوم با عنوان آغاز درگیری‌ها به بررسی جنگهای بدر، احد، خندق، حادثه رجیع و بئرمعونه، صلح حدیبیه، جنگ خیبر، مؤته، حنین و تبوک می‌پردازد.

فصل چهارم با هدف نشان دادن چگونگی شکل‌گیری خلافت در غروب آفتاب نبوت، با رویکردی علمی به تحلیل رویداد سقیفه پرداخته و به ارائه برخی فعالیت‌ها و مشکلات خلفا و نشان دادن زمینه‌های به قدرت رسیدن امویان می‌پردازد. همچنین در این فصل به تحلیل عملکرد حضرت علی (ع) از خلافت تا شهادت، و تحلیل راز صلح امام حسن (ع) پرداخته شده است.

فصل پنجم در مورد به قدرت رسیدن امویان و موروثی شدن خلافت و بیان چگونگی فعالیت و مبارزه امام حسین (ع) بحث شده است.

فصل ششم به بررسی حکومت مروانیان پرداخته و در فصل هفتم در مورد سقوط امویان و به قدرت رسیدن عباسیان بحث و بررسی شده است.

و بالاخره در انتهای فصل مجموعه سوالات آزمونهای کارشناسی ارشد سالهای گذشته به همراه پاسخهای تشریحی آن ارائه شده است.

امید است این مجموعه علاوه بر داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد برای دانشجویان عزیز دوره کارشناسی که واحد درس تاریخ تحلیلی اسلام را اخذ کرده‌اند نیز قابل استفاده باشد.

باشد که این خدمت هر چند کوچک به جامعهٔ علم و فرهنگ ایران زمین سودمند واقع شود.

در پایان از جناب آقای قهرمانی و همکاران محترمشان که زمینه انتشار این اثر را فراهم آورده‌اند، قدردانی می‌نمایم. سعی‌شان همواره مشکور باد.

با تشکر

مؤلف: سمیه‌نژاد فتح مقدم

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی عربستان پیش از اسلام

الف) اوضاع طبیعی عربستان ۱۳
تقسیم‌بندی عربستان از نظر جغرافیایی ۱۳
نسب عرب ۱۴
اوضاع انسانی ۱۴
دولت‌ها ۱۶
الف) دولت‌های جنوبی ۱۶
ب) دولت‌های شمالی ۱۷
ج) دولت‌هایی که در سر راه بازرگانی جنوب به شمال تشکیل شد ۱۷
دین و اعتقادات ۱۸
قانون ۱۹
اهمیّت و موقعیّت مکه ۲۰
سلطه قریش بر مکه ۲۰
تست‌های آخر فصل اول ۲۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۶
تست‌های طبقه‌بندی شده ۲۷
پاسخ تست‌های طبقه‌بندی شده ۲۸

فصل دوم: ظهور اسلام

کودکی و جوانی رسول اکرم (ص) ۳۱
سفر پیغمبر به شام ۳۲
شخصیت رفتاری محمّد (ص) در کودکی و جوانی ۳۲
پیمان جوانمردان (حِلفُ الفضُول) ۳۲
ازدواج با خدیجه ۳۳
نصب حجرالاسود ۳۳
بعثت پیغمبر (ص) ۳۴
نخستین ایمان آورندگان ۳۴

عنوان **صفحه**

روش تبلیغی پیغمبر (ص) ۳۵
عکس‌العمل قریش نسبت به دعوت پیامبر (ص) ۳۶
دلایل عدم پذیرش اسلام از جانب مشرکان ۳۷
اسلام آوردن حمزه ۳۷
کارشکنی‌های بی نتیجه ۳۸
هجرت به حبشه ۳۸
اسلام آوردن عمربن‌خطّاب ۳۹
طرح محاصرهٔ اقتصادی- اجتماعی بنی‌هاشم ۳۹
وفات ابوطالب و خدیجه ۳۹
سفر به طایف ۳۹
اسلام در مدینه ۴۰
شورای دارُالنَّدوه و تصمیم نهایی قریش ۴۱
ورود رسول خدا به مدینه ۴۱
نخستین پیمان نامهٔ عمومی در اسلام ۴۲
ایجاد برادری میان مهاجرین و انصار ۴۲
حکومت بر اساس دین ۴۳
دشمنی یهود و منافقین با رسول خدا و مسلمانان ۴۳
تغییر قبله ۴۴
خلاصه فصل ۴۵
تست‌های آخر فصل ۴۷
پاسخ تست‌های آخر ۵۰
تست‌های طبقه‌بندی شده ۵۱
پاسخ تست‌های طبقه‌بندی شده ۵۲

فصل سوم: دستور جهاد و آغاز غزوه‌ها و سرّیه‌ها

جنگ بَدر ۵۵
درگیری با یهود ۵۶
جنگ اُحُد ۵۶
حادثه رجیع و بئرمَعونه ۵۷
جنگ با یهود بنی نضیر: ۵۷
صلح حدیبیّه ۵۹
جنگ خیبر ۵۹
فدک ۶۰
جنگ مؤته ۶۰
فتح مکّه و پایان قدرت سیاسی مشرکان در حجاز ۶۰

عنوان **صفحه**

نبرد حُنین ۶۱
جنگ تبوک ۶۱
توطئه قتل پیامبر (ص) ۶۱
اعلام برائت از مشرکان ۶۲
پیغمبران دروغی ۶۲
حجةالوداع ۶۲
بیماری پیامبر (ص) ۶۳
آخرین نماز پیامبر (ص) و وفات آن حضرت ۶۳
خلاصه فصل ۶۴
تست‌های آخر فصل ۶۷
پاسخ تست‌های آخر فصل ۶۹
تست‌های طبقه‌بندی شده ۷۰
پاسخ تست‌های طبقه‌بندی شده ۷۲

فصل چهارم: خلافت پس از رحلت پیامبر (ص)

خلافت ابوبکر (۱۱ تا ۱۳ هجری) ۷۶
آغاز مشکلات ۷۷
اقدامات ابوبکر در دوران خلافت ۷۷
اسلام در ایران ۷۸
خلافت عمربن خطاب (۱۳ تا ۲۳) ۷۹
ادامه فتوحات – اعزام لشکر به ایران و مرزهای روم شرقی ۷۹
پیشروی در شمال و غرب ۸۰
اقدامات عمر در دوران خلافت ۸۱
قتل عمر ۸۱
عوامل پیروزی مسلمانان در شرق (امپراتوری ساسانی) و شمال و غرب ۸۲
خلافت عثمان بن عفان ۲۴ تا ۳۰ هجری ۸۳
شورش مسلمانان علیه عثمان و علل آن ۸۴
واگذاری فرمانداری شهرها به افرادی از خاندان بنی امیه ۸۴
بذل و بخشش‌های بیت‌المال به افراد خاندان بنی‌امیه ۸۵
اذیت و آزار بعضی از یاران رسول خدا (ص) ۸۵
ایجاد شکاف میان غنی و فقیر ۸۵
اعتراض مسلمانان به عملکردهای نادرست عثمان ۸۵
علی (ع) از خلافت تا شهادت ۸۶
نبردهای سه‌گانه ۸۷
جنگ جمل یا نبرد با ناکثین ۸۷

عنوان **صفحه**

جنگ صفّین یا نبرد با قاسطین ۸۸
جنگ نهروان یا نبرد با مارقین ۸۹
علی (ع) پس از کار خوارج ۸۹
زندگانی امام حسن مجتبی (ع) ۸۹
آغاز خلافت امام حسن (ع) ۹۰
صلح معاویه ۹۰
مفاد صلح‌نامه ۹۰
دلایل پذیرش صلح ۹۱
معاویه پس از صلح ۹۱
اخلاصه فصل ۹۳
تست‌های آخر فصل ۹۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۹۹
تست‌های طبقه‌بندی شده ۱۰۰
پاسخنامه طبقه‌بندی شده ۱۰۲

فصل پنجم امویان

حکومت معاویه ۱۰۵
درگیری معاویه با خوارج ۱۰۶
برادرخواندگی زیاد از سوی معاویه ۱۰۷
سختگیری معاویه بر شیعیان ۱۰۷
خفقان و وحشت ۱۰۷
کشورگشایی‌های معاویه ۱۰۸
سیاست معاویه در کشورداری ۱۰۸
ولایت عهدی یزید ۱۰۹
مرگ معاویه ۱۱۰
خلافت یزید ۱۱۰
عراق ۱۱۰
نامه‌نگاری عراقیان ۱۱۱
حرکت حسین (ع) به عراق ۱۱۱
شهادت امام حسین (ع) ۱۱۲
آثار فاجعه کربلا ۱۱۲
حادثه حَرّه ۱۱۳
پشیمانان عراق ۱۱۳
نهضت مختار ثقفی ۱۱۴
اخلاصه فصل ۱۱۶

عنوان **صفحه**

تست‌های آخر فصل ۱۱۷
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۱۹
سؤالات طبقه‌بندی شده ۱۲۰
پاسخ تست‌های طبقه‌بندی شده ۱۲۱

فصل ششم: مروانیان

حجاج بن یوسف در کوفه ۱۲۶
خلافت ولید بن عبدالملک ۱۲۷
خلافت سلیمان بن عبدالملک ۱۲۷
خلافت عمربن‌عبدالعزیز ۱۲۸
اصلاحات و اقدامات عمربن‌عبدالعزیز در زمان خلافت ۱۲۸
مشکل موالی و حل آن به وسیله عمربن‌عبدالعزیز ۱۲۸
خلافت یزید بن عبدالملک ۱۲۹
خلافت هشام بن عبدالملک ۱۲۹
خلافت ولید بن یزید ۱۳۰
خلاصه فصل ۱۳۶
تست‌های آخر فصل ۱۳۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۴۱
تست‌های طبقه‌بندی شده ۱۴۲
پاسخ تست‌های طبقه‌بندی شده ۱۴۴

فصل هفتم: «سقوط امویان و به قدرت رسیدن عباسیان»

خلافت سفاح ۱۴۸
کشته شدن ابوسلمهٔ خلّال ۱۴۸
خلافت منصور ۱۴۸
کشته شدن ابومسلم ۱۴۹
ساختن بغداد ۱۴۹
حادثه‌های دورهٔ خلافت منصور ۱۴۹
خلافت مهدی (۱۵۸-۱۶۹ ه.ق) ۱۴۹
هارون‌الرشید ۱۵۰
ولایت عهدی امین ۱۵۰
مأمون و حادثه‌های عصر وی ۱۵۱
خلافت معتصم ۱۵۲
ساختن سامرا ۱۵۲
خلافت واثق ۱۵۲
خلافت متوکل ۱۵۳

عنوان **صفحه**

خلافت منتصر ۱۵۳
خلافت معتمد ۱۵۳
قیام قرمطیان ۱۵۳
قیام زنگیان ۱۵۴
امات پس از امام حسن عسگری(ع) ۱۵۴
خلاصه فصل ۱۵۵
تست‌های آخر فصل ۱۵۷
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۶۰
تست‌های طبقه بندی شده ۱۶۱
پاسخ تست‌های طبقه بندی شده ۱۶۲

سوالات تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۷ ۱۶۵
پاسخنامه تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۷ ۱۶۸
سوالات تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۸ ۱۷۲
پاسخنامه تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۸ ۱۷۵
سوالات تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۹ ۱۷۹
سوالات تاریخ اسلام سراسری سال ۱۳۸۹ ۱۸۲

منابع و مآخذ ۱۸۶

فصل اول

اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی عربستان پیش از اسلام

عناوین اصلی

- *اوضاع طبیعی عربستان*
- *تقسیم‌بندی عربستان از نظر جغرافیایی*
- *نسب عرب*
- *اوضاع انسانی*
- دولت‌ها
- دین و اعتقادات
- قانون
- اهمیت و موقعیّت مکه
- سلطه قریش بر مکه
- *خلاصه فصل*
- *تست‌ها*
- *پاسخ تست‌ها*

فصل اول

اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی عربستان پیش از اسلام

الف) اوضاع طبیعی عربستان

سرزمین عربستان مهد ظهور اسلام می‌باشد. پیامبر (ص) از آنجا برخاست. بدین جهت سزاوار است در آغاز بحث، موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی آن را پیش از ظهور اسلام به اختصار بیان کنیم، تا ارزش کار پیامبر (ص) برای تحول جامعهٔ جاهلی آشکار شود.

شبه جزیره عربستان، بزرگ‌ترین شبه‌جزیرهٔ دنیا در جنوب غربی آسیا به شکل مربع مستطیل قرار گرفته و مساحت آن به دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع می‌رسد، از طرف شمال به اردن و عراق و از جنوب به خلیج عدن و از مغرب به دریای سرخ و از شرق به خلیج‌فارس و دریای عمان و دریای عرب محدود است، عربستان فقط از طرف شمال به خشکی منتهی می‌گردد و سه طرف آن را دریا فرا گرفته است ولی درون این سرزمین، از آب بهره چندانی ندارد، رشته‌کوه‌های بلندی که از شبه‌جزیره سینا آغاز و در امتداد دریای سرخ تا خلیج‌فارس کشیده می‌شود، همچون دیواری بلند آن را فرا گرفته است، در خلال این کوه‌ها درّه‌های کوچک و بزرگی وجود دارد که عرب آن را «وادی» می‌گوید.

روزگار پیش از اسلام بعضی از این وادی‌ها راه تجاری بوده است. سراسر ساحل دریاهای اطراف پر از مانع‌های طبیعی است که کشتی نمی‌تواند در آنها پهلو بگیرد، در درون عربستان از نظر طبیعی مانع‌های دیگری وجود دارد، چنان که در شمال آن «بادیةالشام» است و در جنوب آن بیابان وسیع دیگری است به نام نَفود که هفتاد هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و از شن نرم پوشیده شده، و از جنوب به سمت شرق این شبه‌جزیره بیابان دیگری است به نام الرُّبعُ الخالی که تا امروز همچنان خالی است، وسعت آن پانصد هزار کیلومتر مربع می‌رسد و پهناورترین بیابان خشک جهان است.

بین نفود و رُبع‌الخالی بیابان دیگری به نام دَهناء است که از ریگ روان پوشیده است.

تقسیم‌بندی عربستان از نظر جغرافیایی

عربستان بر اساس وضع جغرافیایی شامل پنج منطقه به این شرح است:

تهامه: این قسمت از ساحل دریای سرخ از یَنبُع آغاز می‌شود و تا سرزمین نجران امتداد دارد. هوای آن بسیار گرم است و باد در آن کمتر می‌وزد.

۱- **حجاز:** در لغت به معنای مانع است و سرزمین نجد و تهامه را از یکدیگر جدا می‌کند و میان آنها قرار گرفته است، سرزمینی است کوهستانی که بلندی بعضی از کوه‌های آن به بیش از دو هزار متر می‌رسد، شهر مکه و شهر یثرب (مدینه) و طائف و بندر جده و یَنبُع در آن واقع شده است.

۲- نجد: از جنوب به یمن و از شمال به بادیةالسماوه امتداد دارد و به سبب بلندی زمین آن را نجد گویند.

۳- یمن: که از نجد تا اقیانوس هند در جنوب و دریای سرخ در غرب گسترده است.

۴- عروض: که به معنای مانع است شامل یمامه، عمان، بحرین، می‌شود چون میان یمن و نجد و عراق واقع شده است، به آن عروض می‌گویند.

عربستان بر اساس شرایط اقلیمی و زندگی اجتماعی به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف) بخش مرکزی: این بخش وسیع‌ترین قسمت شبه‌جزیره است و به صحرای عرب مشهور است، و در آن از باران و آبادانی خبری نیست، فقط در چند نقطه از آن است که اندکی درخت خرما به چشم می‌خورد.

ب) بخش شمالی: این بخش را که حجاز نیز گویند، برخلاف بخش مرکزی از آبادانی برخوردار بوده، ولی مانند جنوب نبوده است، شهر مدینه به خاطر قنات‌ها، استعداد کشاورزی داشت، و طائف از وضع بهتری برای کشاورزی برخوردار بود.

ج) بخش جنوبی: این بخش که مربوط به یمن است به دلیل فراوانی آب و ریزش باران‌های منظم، کشاورزی پررونق و جمعیت متراکم بوده به‌گونه‌ای که نیاز به قانون و حکومت داشته‌اند، و صدها سال پیش از میلاد مسیح دولت‌هایی در آنجا به وجود آمده است و دارای تمدنی درخشان بوده‌اند، شهر قدیمی سبا و سدّ مأرب در آنجا قرار داشت که هنوز نام مشهور آن بر سر زبان‌هاست، به این قسمت، عربستان خوشبخت گفته می‌شود و چون در ساحل اقیانوس هند و دریای سرخ قرار داشت برای بازرگانی میان غرب و شرق جایگاه مناسبی بود از این جهت در طول تاریخ مورد توجه استعمارگران و کشورگشایان بوده است، برخلاف دو قسم دیگر که چون بیشتر آن صحراست تصرف آن ارزشی نداشته است.

نسب عرب

معمولاً اخباریان عرب، اعراب را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

الف) عرب بائده: نسب‌دانان عرب، گروهی را نیز به نام عرب بائده (از میان رفته) – از اقوام عربی قدیم – نام برده‌اند که به سبب سرکشی و نافرمانی‌های پی‌درپی یا بلاهای زمینی و آسمانی از میان رفته‌اند و یا اگر مانده‌اند با سایر قبایل مخلوط و مضمحل شده‌اند مانند عاد و ثمود.

ب) عرب قحطانی: یا عرب عاربه (به معنی اصلی) که در سرزمین یمن و زمین‌های مجاور زندگی می‌کردند و نسب آنان به یَعرب پسر قحطان (فرزند پنجم نوح) می‌رسد، اینان را عرب جنوبی نیز نامیده‌اند.

ج) عرب عدنانی: یا مستعربه (به معنی فرعی) در حجاز و نجد و اراضی میانه جزیره عربستان سکونت داشتند که نوادهٔ اسماعیل (ع) بودند. طایفه قریش و خانواده پیامبر از عدنانی‌ها هستند.

ب) اوضاع انسانی

بیابانگردی: بیابان‌گردی یا صحرانشینی بدوی، شکل اولیه زندگی آنان است. این مردم، خصایص اولیه و نژاد اصلی خود را به سبب آن که با مردم خارج روابط کمتری داشته‌اند، حفظ کرده‌اند. صحرانشین، چون همیشه از جایی به جایی می‌رود، می‌کوشد تا در این گردش‌ها آنچه را که ناگزیر است با خود بردارد. خیمه‌ای که جای خفتن اوست، شتری که بارکش اوست، گوسفند اگر داشته باشد و زن که عمده‌ترین بار چنین زندگی را به دوش دارد. در این میان، بیشترین اهمیت را در بین فرزندان به پسربچه‌ها می‌دهد، زیرا او در کودکی نگهبان شتر و کمک پدر و مادر است و در بزرگی همچون جنگجوی شجاع، خانواده را از گزند دشمن حفظ می‌کند. در صورتی که دختربچه در چنین اوضاعی، موجود دست‌وپاگیری است.

خانهٔ بدوی، چادر سیاه‌رنگی است که از پشم بافته شده است. هر خانواده ناگزیر دارای چادری است که در آن زندگی را

سپری می‌کند. هنگامی که خانواده‌یی همخون در کنار یکدیگر چادرهای چندی را برپا کنند، به مجموعه آنها یک «حی» می‌گویند و نیز از مجموعه چندین حی «احیاء» (که همان قبیله باشد) تشکیل می‌شود. رئیس قبیله را شیخ، رئیس، امیر و یا سیّد می‌نامند، که ادارهٔ قبیله را بر عهده دارد. شیخ در مواقع جنگ و جابه‌جا شدن قوم، آنان را فرماندهی می‌کند. این ریاست به طریق ارث به پسر بزرگ او و یا اشخاص دیگری که شرایط او را دارد می‌رسد، ولی هوشمندی، شجاعت و سخاوت نیز شرط است. در همه حال رعایت افکار عمومی قبیله برای شیخ حتمی است. اگر شیخ قبیله، کیشی یا آیینی را پذیرفت، به تَبع او، همه افراد آن قبیله، آن کیش و آیین را می‌پذیرند. آنچه که همواره مانع از تعدی و گستاخی افراد و قبایل بر یکدیگر بوده است، رعایت همخونی بود که به حکم ضرورت، به دقت هرچه تمام‌تر اجرا می‌شد.

اشخاص ضعیف برای حفظ خود از شر اشخاص قوی می‌توانند به اشخاص قوی‌تر متوسل و به اصطلاح عرب‌ها (دخیل) می‌شوند و نیز اشخاص جنایتکار برای تخفیف مجازات خود به اشخاصی مؤثر پناه می‌بردند. قبایل نیز برای مقاومت در برابر قبایل قوی‌تر از خود، با یکدیگر هم‌پیمان می‌شدند و مراسم پیمان‌بندی را با تشریفات مخصوص اجرا می‌کردند. به طور کلی زندگی بدوی، زندگی زدوخورد است؛ به همین جهت عرب بدوی بالطبع جنگجو، تیرانداز و پرتحمل بار آمده است. کمین کردن و به غفلت کشتن را از همه چیز بیشتر دوست دارد. در چنین محیطی برای ادامه زندگی، پیوسته باید با طبیعت و انسان در نبرد باشد. آب و سبزی دو مایهٔ زندگی صحرانشین است، و در آن محیط این دو مایه، بسیار اندک و طبیعتاً، خواهان آن فراوان است و برای به دست آوردن آن رودرروی یکدیگر قرار گرفتن امری ناگزیر است. در تاریخ پیش از اسلام مشاهده می‌شود که این قوم، به خاطر مسائل بسیار جزیی خونریزی‌ها و کشتارهای بی‌شماری را تجربه کرده‌اند که گاهی تا سال‌ها هم ادامه داشته است. شرح این درگیری‌ها در کتاب‌هایی تحت عنوان «ایام العرب» مشاهده می شود. برای نمونه تنها به جنگ «بَسوُس» که بین تغلب و بنی بکر رخ داده، اشاره می‌کنیم؛ بین آنان جنگی درگرفت که چهل سال ادامه داشت. منشأ این جنگ آن بود که شتری از آن قبیله، بی‌رخصت به چراگاه قبیلهٔ دیگر رفته بود.

بَدوی به هیچ وجه خود را پایبند قانون و مقرّرات نمی‌داند، آزاد، خودبین و متکبّر است. و هرچه به خود و خانوادهٔ اوست محترم می‌شمارد و در یاری و دفاع از آن از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. در این دفاع و یاری، تنها محرک او همین پیوند نسبی و یا سببی است. در این پشتیبانی که غالباً بی‌دلیل است نمی‌پرسد که حق با خویشاوند اوست یا با آن که به او درآویخته است.

شهرنشینی: از زمان‌های قدیم، در نقاط معینی از عربستان، زندگی شهرنشینی رواج داشته است. شهرنشین به کسی اطلاق می‌شد که در شهر ساکن بوده، خانه‌اش از گل و خشت ساخته شده بود، بدیهی است زندگی شهرنشینی و استقرار در یک مکان، آنان را دارای زندگی و خصوصیاتی متفاوت از بادیه‌نشینان کرده است، به تَبَع آن، تا حدودی از نعمت سواد، فرهنگ و تمدن برخوردار شده‌اند. در قسمتی از این نقاط شهرنشین، مناطق حاصلخیزی وجود داشت و قسمت دیگر آن، نقاطی است که بر سر راه‌های تجاری واقع بود و مناسب کسب‌وکار بوده به طور کلی جنوب عربستان از یمن تا عمان حاصلخیز بوده؛ به ویژه در یمن که از نظر سرسبزی آن را (عربستان خوشبخت) می‌گفتند، و در باغ‌های آن، محصولاتی مانند قهوه به عمل می‌آمد و در بعضی جاها برنج کشت می‌شد. درخت خرما در بیشتر نقاط عربستان پرورش می‌یافت و در نقاط ساحلی، ماهیگیری نیز متداول بوده است. در واحه‌های وسط صحرا نیز مردمی زندگی می‌کردند که با استفاده از آب چشمه‌ها و یا چاه‌ها، خرما به عمل می‌آوردند. این‌ها مناطق شهرنشین بودند و شهرهایی از قدیم در این مناطق وجود داشت، تمدن‌ها و دولت‌هایی نیز تشکیل شده بود. عامل تجارت در ایجاد شهرهای عربستان نقش مهمی داشته است. این سرزمین خشک، در سر راه آسیا و اروپا واقع شده، به همین علت از گذشته‌های دور در بازرگانی میان این دو قاره نقش مهمّی داشته است.

دولت‌ها

دولت‌هایی که سال‌ها پیش از ظهور اسلام در جزیرةالعرب تشکیل شدند به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

الف) دولت‌های جنوبی

ب) دولت‌های شمالی

ج) دولت‌هایی که در سر راه بازرگانی جنوب به شمال تشکیل شد.

الف) دولت‌های جنوبی

همان‌طوری که شرحش گذشت، جنوب عربستان یعنی یمن (عربستان خوشبخت) به سبب قرار گرفتن در امتداد راه تجاری و مجاور دریا و دارا بودن استعداد طبیعی و زودتر از بقیه نقاط، شهرنشینی و تشکیل تمدن را فراهم آورد. همان طور که اشاره شد این سرزمین محل زندگی اعراب قحطانی بود. می‌گویند اینان از نسل یعرب بن قحطان بودند. این شخص از فرزندان نوح است که از بابل به یمن آمد. خود او و فرزندانش سال‌های متمادی تا حملهٔ حبشه در یمن سلطنت کردند. با این که قسمتی از تاریخ آنان مخلوطی از افسانه و اشتباه است ولی مقدار زیادی با تاریخ واقعی مطابقت دارد. زیرا بسیاری از گوشه‌های ناشناخته تاریخ این دولت‌ها به وسیله کاوش‌های باستان‌شناسان و یا جستجوی مورخان آشکار شده است. دولت‌هایی که در این قسمت تشکیل شد عبارت بودند از: دولت «مَعین»، «قَتَبان»، «حضرموت»، «سَبَأ» و «حِمیَر».

- **دولت مَعین:** این دولت با پایتختی «قَرنو» بین سال‌های ۱۲۰۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد وجود داشته و با تشکیل دولت سبأ منقرض شد. معین قدیمی‌ترین دولت جنوبی بوده است.
- **دولت قَتَبان:** دولت قتبان با پایتختی شهری بنام تمنع در مجاورت حضرموت قرار داشت. تشکیل این دولت در هزارهٔ اول پیش از میلاد (قرن ششم ق.م) بوده و تا دو قرن بعد از میلاد مسیح ادامه داشته؛ ولی بعضی محققان انقراض آن را اندکی پیش از میلاد (سال ۵۰ ق.م) به دست سبأ می‌دادند.
- **دولت حضَرموت:** که پایتخت آن شهر «شَبوه» بوده به سبب برخورداری از تجارت کُندر ثروت فراوانی داشته است.
- **دولت سبأ:** در میان چهار دولت یاد شده، دولت سبأ دارای اهمیت خاصی بوده است. در واقع مرکز قدرت منطقهٔ جنوبی به حساب می‌آمد. این دولت بود که توانست حکومت‌های پراکنده جنوب را زیر پوشش حکومت مستقل و گسترده‌ای درآورد. سبائیان حدود ۹ قرن بر جنوب حکومت کردند، به‌گونه‌ای که تا سال ۱۱۵ پیش از میلاد طول کشید. نام سبأ در قرآن کریم در دو سوره آمده است: یکی به مناسبت ذکر ملکه سبأ و نامه نوشتن سلیمان به او. می‌فرماید:

«چندان طولی نکشید که هدهد نزد سلیمان آمد و گفت: من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین سبأ یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام. من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و به‌خصوص تخت عظیمی دارد. (سورهٔ نمل، آیهٔ ۲۳ و ۲۴).

و دیگری به سبب سدّ معروف مأرب و شکسته شدن آن. می‌فرماید:

«برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای بود دو باغ از راست و چپ (به آنها گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گویید، شهری است پاکیزه و پروردگاری آمرزنده است. امّا آنان از خدا رویگردان شدند و ما سیل ویرانگر بر آنان فرستادیم.

دو باغ (پربرکت) ایشان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم.» (سورهٔ سبأ، آیهٔ ۱۵ و ۱۶). این سدّ به وسعت آبگیری یک فرسخ در یک فرسخ ساخته شده بود. شعبه‌ها و دریچه‌هایی داشته که هفتاد سرزمین را مشروب می‌کرد و باعث آبادانی و سرسبزی منطقه یمن می‌شد. سد به تدریج ترک‌هایی برداشت و به

موقع به تعمیرات آن نپرداختند تا اینکه کامل شکست و ویرانی منطقه را فراهم ساخت.

- حِمیریان: حِمیریان قومی دیگر از مردم جنوب بودند که در ظُفار (یمن جنوبی) به حکومت رسیدند. دولت حمیر در واقع ادامه حکومت سبائیان بوده است حکومت آنان از سال ۱۱۵ پیش از میلاد تا سال ۵۲۵ میلادی که حبشیان بر قلمرو آنان دست انداختند، ادامه یافت.
- از رویدادهای مهم دوره حکومت حبشیان، لشکرکشی یکی از امرای حبشی به نام «ابرهه» به مکه معظمه است که قصد ویرانی کعبه را داشت و خداوند او را در این کار ناکام گذاشت.

در اواخر حکومت حبشیان در یمن، بدبختی بزرگ دیگری بر منطقه وارد شد و آن خرابی سدّ مأرب بود. این سد که بارها شکسته و تعمیر شده بود در سال‌های بین ۵۴۲ و ۵۴۷ بر اثر سیل بزرگی «سیل العَرِم» به طور نهایی و قطعی خراب و با خرابی آن، ناحیهٔ بزرگی از یمن بایر شد و مردم آن به ناچار به جاهای دیگر کوچ کردند. خرابه‌های این سد با نقوش و کتیبه‌هایی که دارد، در شرق صنعا پایتخت کنونی یمن باقی است. بدین ترتیب تمدن و شوکت سابق یمن با تخریب سد و یا به سبب درگیری‌های داخلی، رونق خود را از دست داد.

ب) دولت‌های شمالی

شمال شبه جزیرهٔ عرب، برخلاف جنوب شبه‌جزیره که از سه طرف محاط به دریا بوده و دربسته مانده بود، عربستان شمالی با صحرای بادیةالشام از سه طرف همسایهٔ دیوار به دیوار اقوام مختلف در کشورهای قدیمی جهان، عراق، سوریه و مصر است بدین جهت تا جایی که اسناد تاریخی موجود نشان می‌دهد، عربستان شمالی محل آمد و رفت‌های بزرگ بوده است. از جمله، راه کاروان‌های بازرگانی، گذرگاه و راه اقوام مهاجر و مسیر لشکرهای کشورگشا. مناطق شهرنشینی این ناحیه غالباً همان واحه‌ها و آبادی‌هایی بوده، که در امتداد راه‌های تجاری قرار داشته است. در این شهرها دولت‌هایی تشکیل یافت که عبارتند از:

نَبطیان و تَدمُر.

- **نبطیان:** این دولت چهار قرن پیش از میلاد در سرزمین اردن فعلی تشکیل شد. پایتخت آن «پِترا» نام داشت. پترا مرکز مهمی برای تجارت بود. کاروان‌های جنوب پس از عبور از راه بازرگانی کناره دریای سرخ، بدین منطقه می‌رسید و از آنجا راهی خلیج‌فارس و دریای مدیترانه می‌شد. نبطیان از راه تجارت، ثروت‌های هنگفتی به دست آوردند و دولت نبطی که بعد از سبأ قدرت گرفته بود، سرانجام جزء متصرفات روم شد.
- **تدمُر یا پالمیرا:** ویرانه‌های این دولت در نزدیکی دمشق باقی است. بنای شهر را به سلیمان (ع) نسبت می‌دهند. این شهر از مراکز مهم بازرگانی آن روزگار به شمار می‌آمده که پس از پترا اهمیت یافته بود. بعدها پادشاه تدمر، اسیر و گرفتار رومی‌ها شد.

ج) دولت‌هایی که در سر راه بازرگانی جنوب به شمال تشکیل شد

در سر راه‌های بازرگانی شمال، سه دولت دیگر به نام لَخمی، غسّانی و کِنده بوده است. اینان قبایلی از مهاجران جنوبی بودند که به خاطر بازرگانی و به روایت دیگر بر اثر تخریب سدّ مأرب از جنوب به شمال رفته و این دولت‌ها را تأسیس کرده بودند که تا ظهور اسلام برپا بود. این‌ها دولت‌هایی نیمه‌متمدن و نیمه‌مستقل و هر یک تابع و دست‌نشاندهٔ یکی از دولت‌های مجاور بوده است.

- **لَخمیان:** لخمیان از اواخر قرن سوم پس از میلاد بر حیره شهری در محل نجف فعلی و سرزمین‌های مجاور آن حکومت می‌کردند. شاهان حیره تابع امپراتوری ساسانی بودند. لخمیان از یک طرف مانع از نفوذ اعراب به داخل ایران

می‌شدند و از طرف دیگر به یاری ایرانیان با غسانیان – متحد امپراتوری روم – می‌جنگیدند. از پادشاهان معروف این خاندان، نعمان بن اِمرءُالقیس است که کاخ خورنق را ساخت. بنابر روایت، یزدگرد اول ساسانی، پسر خود بهرام گور را از کودکی به نعمان سپرد تا او را تربیت کند، نعمان این قصر را برای اقامت شاهزاده ایرانی ساخت و بهرام در آن بزرگ شد. طبری و دیگران از کشته شدن (سنمّار) – معمار رومی سازنده قصر – به دست نعمان خبر می‌دهند، تا کسی بر رمز معماری کاخ آگاه نشود. از آن زمان به بعد هرگاه عملی برازنده را جزایی ناشایست دهند، گویند «جزاءُ سنمّار».

حیره در سال ۱۱ هجری در دوران خلافت ابوبکر، جزء قلمرو خلافت شد.

- **غسّانیان:** مهاجرانی بودند که از یمن به سوی شمال رفتند و در مرزهای امپراتوری روم در ناحیه‌ای به نام حوران و بَلقا سکونت کردند. آنان در جنگ‌هایی که بین ایران و روم درمی‌گرفت، از رومیان طرفداری می‌کردند و با لخمیان که حامی پادشاهان ساسانی بودند به پیکار برمی‌خاستند. دولت غسانی تا آغاز فتوحات اسلامی در شمال و تسخیر سوریه پابرجا بود.
- **کِنده:** بنی‌کِنده نیز از اقوامی بودند که از جنوب به شمال کوچ کردند و در نجد ساکن شدند. این دولت، دست نشانده دولت حمیری یمن بود. موسس دولت کنده «حُجرّبن عمرو» است که از حسن سیاست برخوردار بوده است. آخرین فرد این خاندان «اِمرءُالقیس» شاعر معروف عرب است، که مدتی در آرزوی ملک از دست رفته و انتقال خون پدر خود در قبایل عرب به طلب یاری می‌گشت ولی موفق نشد و از دنیا رفت. پس از انقراض خاندان او و خانواده‌های دیگری از آن قبیله به امیری رسیدند که تا ظهور اسلام برجا بودند و بعداً در حوزهٔ خلافت نابود شدند.

دولت‌های مذکور، مراکز مهم اجتماعی و شهرنشینی در شمال شبه‌جزیره بودند که در اثر تحول به مرحلهٔ کشور و دولت رسیده بودند. در شمال شبه‌جزیره، شهرنشینان دیگری از قبیل مکه، یثرب و طائف هم بودند که از نظر تشکیلات سیاسی، کشور و دولت محسوب نمی‌شدند.

دین و اعتقادات

پیش از ظهور اسلام در جزیرةالعرب و اطراف و اکناف آن نوعی پرستش و ادیان خاصّی رواج داشته است که به طور اجمال به توضیح آنها می‌پردازیم:

دین شایع و عمومی عربستان جاهلی، بت‌پرستی بوده است. مورخان عرب علّت بت‌پرستی یا به عبارت دیگر سنگ‌پرستی اعراب را به‌گونه‌های مختلف نوشته‌اند از جمله می‌نویسند: اهل مکّه از فرط علاقه‌ای که به حرم کعبه و مکه داشتند، هروقت به جای جدید نقل مکان می‌کردند، سنگی از مکه را به عنوان تبرّک با خود می‌بردند و در آن مسکن تازه، نصب می‌کردند و برای این‌که با تقدیس آن سنگ‌ها، به نوعی خانهٔ کعبه را تعظیم کرده باشند، آن سنگ‌ها را مانند کعبه می‌پرستیدند و به دور آن طواف می‌کردند و جهت تیمّن و تبرّک به آنها، دست و صورت می‌مالیدند. این‌گونه مراسم رفته‌رفته منجر به پرستش آنچه دوست می‌داشتند، شد. اگر این تعبیر فی‌الجمله درست باشد، منشأ بت‌پرستی تیره‌هایی خاص را نشان می‌دهد نه بت‌پرستی همه اعراب را! چون عرب همگی به مکه نمی‌آمدند و اگر می‌آمده‌اند سنگ حرم را همراه خود نمی‌بردند. برخی معتقدند که پایه‌گذار بت‌پرستی در حجاز «عمر بن لُحَیّ» از بنی خُزاعه است، که بعد از جرهمی‌ها امیر مکه شده بود.

او در مسافرتی به شام، آیین بت‌پرستی را از مردم شام یاد گرفت و از آنجا با خود بتی آورد و در کنار کعبه جای داد. بت‌هایی که در میان اعراب مورد توجه و پرستش بوده عبارت بودند از:

۱- لات که بتی بوده است در طائف و خدمتگزاران آن ثقیف بوده‌اند.

۲- عزّی که پرستش آن پس از لات بوده است و در نزد قریش و بعضی طوایف دیگر، خدای درجه اول بوده است.

۳- منات که مورد احترام خاص اوس و خزرج بوده است.
۴- وَدّ بت تیرهٔ کلب.
۵- سُواع که بت هذیل بوده و در ینبع جای داشت.
۶- یَغوث، بت تیرهٔ مذحج.
۷- یَعوق بت خَیوان، در صنعا.
۸- نَسر بت حِمیَر.

نیز قریش در داخل خانهٔ کعبه و اطراف آن بت‌ها داشتند که بزرگ‌ترین آن هُبَل بوده است.

• **پرستش اجرام آسمانی:** در جنوب عربستان پرستیدن اجرام آسمانی چون ماه و ستاره و خورشید سابقهٔ طولانی داشته است. در قرآن کریم به آفتاب‌پرستی قوم (سبأ) اشارتی شده است. آفتاب‌پرستی نیز در شمال عربستان معمول بوده است.

نوشته‌اند در عربستان بعضی‌ها مذهبی صابئی داشته‌اند. آنان خدای را یگانه و او را از صفات بد منزه و پیراسته می‌دانستند (صفات سلبیّه). صابئیان تدبیر عالم را به فلک و کرات آسمانی نسبت می‌دهند و به حیات و نطق و شنوایی و بینایی افلاک اعتقاد دارند و انوار را تعظیم می‌کنند. آنان بر اساس اعتقاد، به ستارگان و ارتباط حرکات آنها با مقدّرات زمین، مجسمهٔ آنها را در معابد خود نصب می‌کردند. بیشتر مراسم عبادی را همراه با غسل در آب جاری انجام می‌دادند؛ از این رو به نام (مغتسله) نیز خوانده شده‌اند.

• **حُنَفا:** مقارن با ظهور اسلام در مکه اشخاصی بوده‌اند که از بت‌پرستی و دین عامّه نفرت داشته و معتقد به توحید و منتظر ظهور پیامبری بوده‌اند. مورخان اسلامی، این افراد را حُنفا می‌نامند و می‌گویند دین ابراهیم (ع) را داشته‌اند. دین ابراهیم (ع) در قرآن به این‌گونه وصف می‌شود: « ابراهیم (ع) نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه یک مسلمان پاک و شایسته بود و هرگز از مشرکان نبود.» (سورهٔ آل عمران، آیه ۶۷.)

وجود گروه حنفا و عقاید آنها در دورهٔ پیش از اسلام، نمودار آن است که تحول و تکاملی در دین عرب جاهلی پدیدار شده، به‌گونه‌ای که زمینه را برای ظهور دین تازه فراهم کرده بود.

• **یهودیت و مسیحیّت:** باید دانست مقارن ظهور اسلام یهودیّت و مسیحیّت در نقاطی از شبه‌جزیره مرکزیت داشت، به طوری که (نجران) مرکز مهم مسیحیان و یثرب جایگاه یهودیان بود. در مناطق شمالی نیز به سبب مجاورت با منطقهٔ نفوذ روم، مسیحیت رواج داشت،مثل دولت غسّانی.

• **زرتشتی‌گری و کیش مزدک:** ایرانیان مقیم یمن ظاهراً همان دین زرتشتی خود را داشته‌اند، خاصه در زمانی که فرمانروایی یمن را به دست گرفته بودند و طبعاً سیاست مذهبی دولت ساسانی را رعایت می‌کرده‌اند. مورخان از گرویدن پادشاه کندی به کیش مزدک خبر می‌دهند تا بدین وسیله خود را به پادشاه ایران (قباد) نزدیک‌تر کند.

قانون

مراد از قانون در جامعهٔ عرب و در دورهٔ معروف به زندگی جاهلیّت، قوانین مدون فراگیر جوامع پیشرفته دنیای امروز نیست، بلکه مجموعه‌ای از سنت‌ها، عادات، هنجارها، ارزش‌ها و عرف‌های متداول در نظام‌های قبیله‌ای است که به منزلهٔ قانون و مقرّرات محسوب می‌شد. این مقررات گاهی به صورت پیمان‌هایی بود که بین دو یا چند قبیله منعقد می‌شد که به موجب آن، حقوق هر قبیله و یا وابستگان آنها را در برابر قبیله‌های دیگر محترم شمرده می‌شد. اما اگر کسی با قبیله‌ای پیوندی نداشت، هیچ قانونی در برابر ستمکار از او حمایت نمی‌کرد.

اهمیّت و موقعیّت مکه

از جاهای بسیار مهم شبه جزیره عربستان که برای جلب جمعیت مناسبت داشت، شهر مکه است که در دل دره در رشته کوه‌های حجاز قرار گرفته است. مکه به سبب نزدیکی به دریای سرخ و واقع شدن بر سر راه بازرگانی جنوب به شمال (یمن به شام و فلسطین) به ویژه وجود خانه کعبه که از هزاران سال پیش مورد احترام بوده، اهمیت بیشتری پیدا کرده بود. بدین جهت در تاریخ می‌بینیم که طوائف مختلف عرب از قدیم بر سر تصرّف آن با هم کشمکش داشته‌اند. عمالقه، جُرهُمی‌ها، خزاعه و بالاخره اشراف قریش از جمله بنی‌هاشم و بنی‌امیه و چند قبیلهٔ دیگر قریش که در عصر ظهور اسلام آن را در تصرف خود داشته‌اند.

کعبه: هجرت حضرت ابراهیم (ع) از عراق به فلسطین و صحرای سینا در مصر و از آنجا به مکه، حدود چهار هزار سال پیش اتفاق افتاده است. مطابق روایات اسلامی، کعبه را حضرت ابراهیم با کمک اسماعیل و به فرمان خدا بر اساس کعبهٔ قدیم که حضرت آدم ساخته، و در توفان نوح ناپدید شده بود، بنا کرد. ابراهیم (ع) مراسم حج را با تعلیم جبرائیل مقرر کرد و خود به فلسطین بازگشت. پسرش اسماعیل در مکه به نشر دین پدر و تصدّی امور کعبه مشغول شد و همچنان فرزندان او، تا آنکه جُرهُمی‌ها از جنوب آمدند و اداره مکه را بر عهده گرفتند. جرهمیان منسوب به «جرهم بن قحطان» بودند که از جنوب شبه جزیره به اینجا نقل مکان کرده بودند. حضرت اسماعیل (ع) با یکی از دختران آنان ازدواج کرد و فرزندانی از این وصلت به جای گذاشت. بعد از جرهمیان، تیره جنوبی دیگری به نام «خُزاعه» بر شهر مسلط شد. تا این زمان یگانه‌پرستی در مکه رایج بود، ولی پس از آن بت‌پرستی به دست یکی از امرای خزاعه رواج یافت.

سلطه قریش بر مکه

سلطهٔ بنی خزاعه بر مکه تا زمان «قصّی بن کلاب» که جد اعلای پیامبر (ص) است، ادامه داشت. قصی، دختر یکی از رؤسای خزاعه را به زنی گرفت و پس از مرگ پدرزن، خویشاوندان خود؛ یعنی قریشیان را گرد آورد و از بنی قضاعه، (که شوهر مادرش از آنان بود) کمک خواست و با کمک آنها ریاست شهر را به دست گرفت و قریش را که طایفهٔ او محسوب می‌شد، در پیرامون کعبه جا داد و نیز جایی را برای اجتماع و مشورت آنان احداث کرد که «دارالنَّدوه» (خانه شورا) نامیده شد، بدین منظور که هرگاه قریش را کار مهمی پیش می‌آمد در آن حاضر می‌شدند و با هم مشورت می‌کردند.

دارالندوه تا فتح مکه (۸ هجری) همچنان مرکز اجتماع و شور بزرگان قریش بود. به طوری‌که طرح قتل پیامبر (ص) را قبل از مهاجرت به یثرب، در آنجا تصویب کردند. چنانکه در بعضی متون آمده« قصّی اولین کسی بود که به قریش حرمت و عزّت داد و فخر آنان را آشکار ساخت. قصّی منصب کلیدداری کعبه و سقایت (آب دادن) حاجیان و مهمانداری آنان را نیز بر عهده گرفت. او پیش از فوت، مناصبی را که عهده‌دار شده بود به پسر بزرگ خود عبدالدار سپرد و این منصب‌ها از عبدالدار به فرزندان او به ارث رسید. پس از چندی، فرزندان عبدمناف (پسر دیگر قصّی) با عموزاده‌ها بر سر مناصب، به رقابت برخاستند و نزدیک بود کار به درگیری و خونریزی بکشد. سرانجام با هم سازش و آن مناصب را در میان خود تقسیم کردند. بدین معنی کلید و عَلَم کعبه و ریاست دارالندوه را به فرزندان عبدالدار واگذاردند و آب دادن و مهمانداری حاجیان از آن عبدمناف شد. این منصب‌ها بعداً به هاشم، جدّ اعلای پیامبر (ص)، واگذار شد. هاشم یکی از بازرگانان معروف مکه به شمار می‌آمد. او دارای نفوذ و اعتبار زیادی بود و نیز در بذل و بخشش به نیازمندان شهرتی بسزا داشت. پس از هاشم، منصب او به مطلّب، برادر هاشم و از او به عبدالمطّلب «شَیبه» فرزند هاشم منتقل شد. عبدالله پدر محمّد (ص) فرزند عبدالمطّلب است.

خلاصه فصل

اوضاع طبیعی عربستان: شبه جزیره عربستان، بزرگ‌ترین شبه جزیرهٔ دنیا در جنوب غربی آسیا به شکل مربع مستطیل قرار گرفته و مساحت آن به دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع می‌رسد، از طرف شمال به اردن و عراق و از جنوب به خلیج عدن و از مغرب به دریای سرخ و از شرق به خلیج‌فارس و دریای عمان و دریای عرب محدود است، عربستان فقط از طرف شمال به خشکی منتهی می‌گردد و سه طرف آن را دریا فراگرفته است ولی درون این سرزمین، از آب بهره چندانی ندارد.

در درون عربستان از نظر طبیعی مانع‌هایی وجود دارد، چنان که در شمال آن بادیة الشام است و در جنوب آن بیابان وسیع دیگری است به نام نفود که هفتاد هزار کیلومتر مربع وسعت دارد.

از جنوب به سمت شرق این شبه جزیره بیابان دیگری است به نام الرُبع الخالی که پهناورترین بیابان خشک جهان است. بین نفود و رُبع الخالی بیابان دیگری به نام دهَناء قرار دارد.

عربستان براساس وضع جغرافیایی شامل پنج منطقه به این شرح است:

۱- **تهامه:** این قسمت از ساحل دریای سرخ از یَنبُع آغاز می‌شود و تا سرزمین نجران امتداد دارد. هوای آن بسیار گرم است.

۲- **حجاز:** سرزمینی است کوهستانی، شهر مکه و مدینه و طائف و بندر جده و یَنبُع در آن واقع شده است.

۳- **نجد:** از جنوب به یمن و از شمال به بادیة السماوه امتداد دارد.

۴- **یمن:** که از نجد تا اقیانوس هند در جنوب و دریای سرخ در غرب گسترده است.

۵- **عروض:** که به معنای مانع است شامل یمامه، عمان و بحرین می‌شود.

عربستان براساس شرایط اقلیمی و زندگی اجتماعی به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف) بخش مرکزی: که در آن از باران و آبادانی خبری نیست.

ب) بخش شمالی: این بخش را که حجاز نیز گویند، برخلاف بخش مرکزی از آبادانی برخوردار بوده است.

ج) بخش جنوبی: این بخش که مربوط به یمن است به دلیل فراوانی آب و ریزش باران‌های منظم، کشاورزی پررونق و جمعیت متراکم بوده به گونه‌ای که نیاز به قانون و حکومت داشته‌اند.

شهر قدیمی سبأ و سدّ مأرب در آنجا قرار داشت به این قسمت، عربستان خوشبخت گفته می‌شود و چون در ساحل اقیانوس هند و دریای سرخ قرار داشت برای بازرگانی میان غرب و شرق جایگاه مناسبی بود.

نسب عرب:

اعراب را به سه دسته تقسیم می‌کنند:
- الف) عرب بائده
- ب) عرب قحطانی یا عرب عاربه
- ج) عرب عدنانی یا عرب مستعربه

اوضاع انسانی

الف) بیابانگردی: بیابانگردی یا صحرانشینی بدوی، شکل اولیه زندگی آنان است. خانهٔ بدوی، چادر سیاه‌رنگی است که از پشم بافته شده است. هر خانواده ناگزیر دارای چادری است که در آن زندگی را سپری می‌کند. هنگامی که خانواده‌یی همخون در کنار یکدیگر چادرهای چندی را بر پا کنند، به مجموعه آنها یک «حی» می‌گویند و نیز از مجموعه چندین حی «احیا» (که همان قبیله باشد) تشکیل می‌شود.

ب) شهرنشینی: از زمان‌های قدیم، در نقاط معینی از عربستان، زندگی شهرنشینی رواج داشته است. بدیهی است زندگی شهرنشینی و استقرار در یک مکان، آنان را دارای زندگی و خصوصیاتی متفاوت از بادیه‌نشینان کرده است، به تبع آن، تا حدودی از نعمت سواد، فرهنگ و تمدن برخوردار شده‌اند. در قسمتی از این نقاط شهرنشین، مناطق حاصلخیزی وجود داشت و قسمت دیگر آن، نقاطی است که بر سر راه‌های تجاری واقع بود و مناسب کسب و کار بوده به طور کلی جنوب عربستان از یمن تا عمان حاصلخیز بوده؛ به ویژه در یمن که از نظر سرسبزی آن را (عربستان خوشبخت یا عربستان معطّر) می‌گفتند و یکی از علتهای آنهم وجود رُستنی آن کُندُر (ماده خوش‌بویی) بود که در معبدهای مصر قدیم و اروپا مصرف می‌شد.

دولت‌ها:

دولت‌هایی که سالها پیش از ظهور اسلام در جزیرةالعرب تشکیل شدند به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

الف) دولت‌های جنوبی: دولت‌هایی که در این قسمت تشکیل شد عبارتند از: دولت مَعین، قَتَبان، حضرموت، سبأ و حمیَر. واقعه «سیل‌العرم» هم در مملکت (سبأ) در جنوب یمن رخ داد.

ب) دولت‌های شمالی: دولت‌هایی که در این قسمت تشکیل یافت عبارتند از نبطیان و تَدمُر یا پالمیرا.

ج) دولت‌هایی که در سر راه بازرگانی جنوب به شمال تشکیل شد:

لخمیان، غسّانیان، بنی‌کِنده.

تست‌های آخر فصل

۱- شبه جزیره عربستان در چه موقعیت جغرافیایی قرار دارد؟

۱) جنوب خلیج عدن ۲) جنوب شرقی آسیا ۳) جنوب غربی آسیا ۴) مغرب دریای سرخ

۲- شبه جزیره عربستان از سمت شرق به کجا متصل است؟

۱) اردن، عراق ۲) خلیج‌فارس و دریای عمان و دریای عرب ۳) دریای سرخ ۴) خلیج عدن

۳- شمال عربستان در داخل با چه مانع جغرافیایی روبروست؟

۱) الربع الخالی ۲) دهناء ۳) نفود ۴) بادیة الشام

۴- بین نفود و ربع الخالی بیابان دیگری به نام. .....است که از ریگ روان پوشیده است.

۱) دهناء ۲) دَواسر ۳) سرحان ۴) دومه

۵- دو شهر مشهور و قدیمی حجاز کدام است؟

۱) مکه و یمن ۲) مکه و طائف ۳) مدینه و طائف ۴) یثرب (مدینه) و مکه

۶- حجاز به چه ناحیه‌ای از عربستان گفته می‌شود؟

۱) بخش شمالی ۲) بخش مرکزی ۳) بخش شرقی ۴) بخش جنوبی

۷- صحرای عرب در کدام بخش از عربستان می‌باشد؟

۱) بخش جنوبی ۲) بخش غربی ۳) بخش مرکزی ۴) بخش شمالی

۸- کدام شهر عربستان از دیرباز آبادتر و ثروتمندتر از سایر قسمت‌های آن بود و عربستان خوشبخت نامیده می‌شد؟

۱) یمن ۲) طائف ۳) مکه ۴) یثرب

۹- یمن در کدام قسمت عربستان قرار دارد؟

۱) بخش مرکزی ۲) بخش جنوبی ۳) بخش غربی ۴) بخش شمالی

۱۰- به چه دلیل حجاز مورد توجه قدرت‌های آن روز دنیا نبود؟

۱) بیابان‌ها و ریگزارهای وسیع داشت ۲) منطقه‌ای بی‌آب و غیرقابل کشت بود.

۳) فقدان موقعیت مهم اقتصادی و سیاسی ۴) همه موارد

۱۱- اعراب را از لحاظ قدمت به چند دسته تقسیم می‌کنند؟

۱) بائده، عاربه، عدنانی ۲) عاربه، قحطانی، بائده

۳) مستعربه، عدنانی، بائده ۴) بائده، قحطانی، عدنانی